

در مورد وضعیت تکان دهنده محمود صالحی

سلیمان سیگارچی

بیست چهارم بهمن ماه هشتاد و شش

"وضعیت تکان دهنده محمود صالحی در مصاحبه ای با "محمد شریف" وکیل محمود صالحی"

وضعیت محمود صالحی من را به یاد اوضاع من و همسر در زندان می اندازد. ما ۲۸ تیر ۱۳۶۲ ازدواج کردیم. در ۶ شهریور ۱۳۶۲ هنگامی که میخواستیم از مهاباد خارج شویم، ایشان دستگیر شد و من فرار کردم. من هم در تاریخ ۲۹ شهریور در روستای گاگش دستگیر شدم. بعد از بازجوییهای فراوان و حدود یکسال زندان بالاخره توسط حاکم شرع جمهوری اسلامی دادگاهی شدیم و حکم ۵ سال تبعید در کرمان را برای ما صادر کردند. اما هر بار که ماموران ژاندرمری مهاباد به زندان سپاه می آمدند که ما را تحویل بگیرند و تبعید کنند، با مخالفت مامورین اطلاعات روبرو میشدند و ما را تحویل نمیدادند، ماموران ژاندرمری دست از پا دراز تری می گشتند. دلیل سپاه پاسداران این بود که اینها باید اعدام شوند و حکم "حاکم شرع" "جمهوری اسلامی" که خودشان مامور این رژیم بودند را قبول نداشتند و میخواستند حکم خود را اجرا کنند.

بالاخره بعد از دو ماه نهایتاً با دخالت و آمد و رفتهای متفاوت خانواده هایمان به دادستانی حکم اجرا شد.

۱- هیچ زندانی در زندان از کشتن و شکنجه مصون نیست، مخصوصاً آنهایی که به بازجویان "نه" بگویند. با خواندن نامه وکیل محمود صالحی انسان به این نتیجه میرسد که اینها قصد دارند بدین وسیله محمود را از بین ببرند.

۲- سپاه پاسداران و ماموران اطلاعات خودشان دولت در دولت هستند. بله آنها حکم دادستانی و حاکم شرع را نیز قبول ندارند و نمونه زنده آن اعدام ماکوان مولود زاده است.

۳- حدود یکسال است که فعالیتهای گوناگون از جمله گرفتن نامه های پشتیبانی از اتحادیه ها و غیره در خارج کشور ادامه دارد، اما هنوز محمود در زندان است. به نظر من تنها راه چاره يك راهپیمای تاریخی مانند "کوچ مریوان" لازم است که محمود صالحی آزاد شود. باید زور سنبه را زیاد کرد. مردم از همه شهرها در کاروانهای متفاوت در يك روز مشخص باید در مقابل زندان سنندج حاضر شوند و خواهان آزادی فوری محمود شوند. مردم باید از اشنویه، نقده، پیرانشهر و مهاباد و بوکان و سقز گرفته تا بانه، مریوان و کامیاران و کرمانشاه و خود سنندج گرفته، اگر از هر شهر ۳ اتوبوس مردم جمع شوند و در يك روز مشخص مثلاً ۲۸ فوریه ۲۰۰۸ در مقابل زندان سنندج جمع شوند، ممکن است رژیم عقب نشینی کند و محمود را آزاد کند.

ممکن است که بگویند که جمهوری اسلامی همه را دستگیر می کند یا مردم را به رگبار می بندد و به همین خاطر مردم اینکار را نمی کنند.

رژیم از جمع شدن و اتحاد مردم و همه دارد، ممکن است اول با قول و وعده و وعید که ما فردا آزاده می کنیم، مردم را به خانه هایشان بفرستد. اما اگر بتوان جمعیتی حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر را آنجا جمع کرد، نمیتوانند که این همه

را دستگیر یا زندانی کرد . ممکن است برای متفرق کردن مردم تیرنمازی هوایی کنند ، اما جرات هیچ غلط دیگری را نخواهند داشت، زیرا با زخمی کردن حتی يك نفر مردم خشمگین شده و به زندان حمله خواهند کرد تا نه فقط محمود را بلکه همه زندانیان را آزاد کنند. این زندانها معمولا ۱۰ تا ۲۰ نفر محافظ دارند. مگر اینکه مثل زندان مهاباد در کنار سپاه پاسداران قرار داشته باشد که نیروی کمکی از آنجا بیاورند.

بهر حال طومار و نامه های پشتیبانی و تظاهرات و راهپیمایی در خارج کشور همین قدر کارگر است، باید در داخل مردم کاری بکنند.

یا در يك روز مشخص بدلیل اینکه محمود خودش خباز است، تمام خبازان کردستان دست از کار بکشند ، این ممکن است يك اقدام سمبلیک باشد ، اما اگر اینکار در يك روز مشخص و بطور سراسری انجام گیرد ، نبود نان در این روز قدرت طبقه کارگر در رشته خبازی را به جامعه نشان می دهد و مسئله محمود را به مسئله روز تبدیل می کنند.

به امید آزادی محمود و شکستن در زندانهای جمهوری اسلامی در اسرع وقت

سلیمان سیگارچی

۱۳ فوریه ۲۰۰۸